

**گفت‌وگوی بر تیتُر «صبا»باحسین نمازی کارگردان سریال «حوالی پاییز»**

# انتقادهارامی‌پذیرم

**یکی از مواردی که در نوع کارگردانی شما وجود دارد و برایم ایجاد سوال کرده، این است که چرا در فیلمبرداری، از دوربین روی دست استفاده کرده‌اید؟ آیا این روند به‌دلیل سابقه حضور شما در سینماست یا براساس کنش‌های قصه به این چیدمان رسیدید؟**

بی‌شک دکوپاژ یکی از مولفه‌های کارگردانی است.البته شاید به دکوپاژهای تلویزیونی عادت ندارم، اما واقعیت این است که خیلی ایستا بودن را دوست ندارم. مایلم دوربینم سیال و در خدمت قصه و بازی بازیگر باشد.البته خیلی از سکانس‌ها دوربین روی دست نیستند بلکه «پن» و «تیلت» آن‌ها باز است، اما به‌دلیل این‌که از آقای محمدناصری فیلمبردار سریال خواستم که نوع فیلمبرداری‌اش در خدمت بازیگر باشد، دوربین سیال است.

**اما شیوه دوربین روی دست هم سختی‌های خودش را دارد.**

بله، این روند برای کارگردان سخت‌تر است؛ به‌خصوص در میزانشن‌هایی که چند بازیگر حضور دارند.

**و شما دانسته این دشواری‌ها را پذیرفتید؟**

بله، با زمان کمی که داشتیم ترجیح دادم چنین رویه‌ای را پیش بگیرم.

**یعنی شیوه فعلی از لحاظ زمانی به نفع تولید بود؟**

باتوجه به مدیوم تلویزیون و زمان موجود، این امکان وجود نداشت که به‌طور مثال از «پروچیب» و «ریل» استفاده کنم. یا باید مانند سریال‌های دیگر از نماهای دو و سه‌نفره ثابت و ایستا استفاده می‌کردم و به‌سرعت و پی‌درپی پلان‌ها و سکانس‌ها را ضبط می‌کردم، یا این‌که باید سختی‌های موجود را می‌پذیرفتم و تبعاتش را به‌جان می‌خریدم و از دوربین سیال استفاده می‌کردم که روش دوم را برگزیدم.

**فیلمبرداری سریال چقدر طول کشید و تهیه‌کننده برای تولید بهتر چقدر شما را همراهی کرد؟**

چهار ماه فیلمبرداری داشتیم. اتفاقا با این‌که سعید پروینی نخستین تجربه سریال‌سازی‌اش را پشت سر می‌گذاشت اما دست مرا بسیار باز گذاشت و گفت به هیچ وجه نگران هزینه تولید نباش؛ زیرا در این پروژه دنبال سود نیستم. اما به هر حال با خودم می‌گفتم آن چیزی که من می‌خواهم زمان بیشتری می‌طلبد و در ست نیست که طبق آن روال پیش بروم.

**طی این مدت که سریال به روی آنتن است نقدهایی درباره نوع دکوپاژ و فیلمبرداری نشنیده‌اید؟ چرا نقدهایی به گوش خودم نیز رسیده است، اما خیلی از مخاطبان نیز این رویه را دوست دارند. چرا قصه و حال و هوای سریال این قدر به قصه و فیلمنامه سریال «وفا» ساخته محمدحسین لطیفی شباهت دارد؟!**

به‌نظرم دلیل چنین مقایسه‌ای حضور بازیگران عرب در هر دو سریال است وگرنه از لحاظ قصه و اتفاق‌ها، تفاوت‌های بسیاری بین این دو سریال وجود دارد.

**ایده و طرح فیلمنامه چگونه شکل گرفت و نگارش فیلمنامه چقدر زمان برد؟**

در طرحی که خانم بیات نوشته بودند تعدادی از شخصیت‌های فعلی وجود نداشتند. در آن طرح

**وحیدخانه‌ساز**

**گفت‌وگو**

سریال «حوالی پاییز» به تهیه‌کنندگی سعید پروینی و کارگردانی حسین نمازی با بازی بازیگرانی چون رویا تیموریان، لیلاوتادی، حسین مهری،ارشاقدسی و مرتضی‌علی‌عباس‌میرزایی، یکی از آثار جدید شبکه‌سوم سینماست که به جای سریال «دلدادگان» به روی آنتن رفته و تاکنون چند قسمت از آن پخش شده‌است.حسین نمازی که مدرس کارگردانی وفیلمنامه‌نویسی است وفیلم‌سینمایی «آپاندیس» را در کارنامه دارد وطی چند دوره، کارشناس ارشد تولید انجمن سینمای جوانان ایران بوده، درباره انتقادهای موجود و جزئیات نگارش و تولید سریال «حوالی پاییز» با «صبا» گفت‌وگو کرد.

دختری عرب وارد خانه‌ای می‌شد و پسر خانواده عاشقش می‌شد و درنهایت ازدواج می‌کردند، یعنی طرح خیلی کلی بود، اما زمانی که شروع به نگارش فیلمنامه کردم شخصیت‌ها را یک‌به‌یک به قصه اضافه کردم. به‌طور مثال شخصیت شیوا و آدم‌های دیگر و آن کارگاه و بحث جاسوسی، برخی از مواردی هستند که طی نگارش به قصه اضافه شده‌اند که در فاز دوم سریال اشخاص و اتفاقات دیگری وارد قصه می‌شوند. همه این‌ها را خودم به فیلمنامه افزوده‌ام.

**کلیت قصه و خط داستانی آن همین است که مخاطب تاکنون دیده است؟**

قصه از جایی به بعد وارد مرحله دیگری خواهد شد. یعنی این‌که قصه فعلی طراحی و نوشته‌شده برای رسیدن به آن فاز و قسمت‌های مرتبط با آن که چالش‌های بیشتری دارند و هدف ما این است که آن بخش‌ها دیده شوند.

**طی زمان نگارش چقدر به مخاطبان تلویزیون فکر کردید و براساس ذهنیت و سطح و سواد دانش**

**آن‌ها پیش رفتید؟**

طبیعتا مخاطبان تلویزیون نسبت به مخاطبان سینما عام‌تر هستند و من نیز باید براساس مولفه‌های آن‌ها جلو می‌رفتم. مخاطبان تلویزیون دوست دارند آن چیزی را ببینند که برای آن‌ها ملموس‌تر است. به‌طور مثال لازم دیدم برای جلب رضایت مخاطبان تلویزیون به موسیقی توجه بیشتری نشان دهم و به‌اصطلاح پرموسیقی جلو بروم و دیگر این‌که باید به لحظات و اتفاقات عاشقانه بپردازم و از همه مهم‌تر این‌که زندگی ایرانی را به تصویر بکشم. لذا عمداً زندگی ایرانی و خانواده ایرانی را مد نظر قرار دادم و به سنت‌های فراموش‌شده ایرانی پرداختم و هرچه جلوتر برویم به مولفه‌های بیشتری در این زمینه بر خواهیم خورد.

**طی زمان نگارش و تولید چقدر اتفاقات اجتماعی و سیاسی روز را مد نظر قرار دادید و از ابتدا چقدر به این موارد پرداختید و چقدر در طرح کلی به آن‌ها پرداخته شده بود؟**

همان‌طور که گفتم طرح خانم معصومه بیات خیلی کلی بود و اتفاق‌ها و کنش‌های فعلی در کلیت قصه لحاظ نشده بود. اما طرح خانم بیات یک مولفه جذاب داشت که باید قسمت‌های دیگر نیز پخش شوند تا متوجه صحبتم شوید. آن مولفه این امکان را ایجاد کرد و به من فضایی داد که بتوانم براساس آن شخصیت‌های قصه را طراحی کنم و داستاتک‌های دیگری را به فیلمنامه اضافه کنم.

**کمی درباره چگونگی ساخت موسیقی متن سریال توضیح دهید. زیرا موسیقی و نوع سازها خیلی بر اثر ننشسته است!**

در همان ابتدا که با آقای مسعود سخاوت‌دوست صحبت کردیم به ایشان گفتم ممکن است کمی اذیت شوید زیرا ممکن است چیزی را طراحی کنید و من دوستش نداشته باشم و مجبور شوید آن را چند بار عوض کنید و ایشان پذیرفتند و انصافاً پای حرفشان ایستادند. به‌طور مثال موسیقی آغاز را چند مدل اجرا کردند که همه آن‌ها زیبا و قابل قبول بودند اما من آن‌ها را دوست نداشتم، زیرا دلم می‌خواست موسیقی تم ایرانی-عربی داشته باشد و در آن از سازهایی مثل چنگ و فلوت استفاده شود. نهایتا پس از کلی کلنجار به آن چیزی رسیدیم که در طول سریال آن را می‌شنوید و



خدا را شکر آقای سخاوت‌دوست از نتیجه‌نهایی راضی هستند.

**به نظرم با آن‌که خواننده تیتراژ پایانی آقای سرلک است اما تیتراژ آخر ضعیف از آب درآمده؛**

**در صورتی‌که آقای سینا سرلک با سریالی چون «شهرزاد» امتحان خود را پس داده است.**

موسیقی مانند سینما سلیقه‌ای است. ممکن است شما تیتراژ آخر را دوست نداشته باشید اما آن‌طور که شنیده‌ام خیلی‌ها، حتی آدم‌های سخت‌پسند نیز از موسیقی آخر خوششان آمده‌است. بنابراین نمی‌توانم بگویم چه کسی درست می‌گوید و نظر چه کسی اشتباه است. این را هم اضافه کنم که محدودیت‌های موجود در سریال‌سازی کیفیت موسیقی آثار را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. باتوجه به همه این‌ها و شرایط موجود احساس می‌کنم محصول قابل قبولی را به مخاطب ارائه کرده‌ایم.

**انتخاب بازیگرهای سریال بر چه اساسی بود و چقدر براساس سلیقه و خواست و نظر شما پیش رفت؟**

سعید پروینی تلاش می‌کرد پروژه به‌شکل درستش ساخته شود و درباره چگونگی انتخاب بازیگرها نیز بسیار صحبت می‌کردیم اما درنهایت تصمیم و نظر نهایی با من بود و آقای پروینی این اختیار را به من داده بودند. با این وجود تقریبا همه بازیگران اصلی را با مشورت ایشان انتخاب کردم و اگر در این میان مشکلی باشد قطعاً مسئولیت همه این انتخاب‌ها با من است و اگر انتقادی هست آن را می‌پذیرم.

**آن‌طور که شنیدم آقای پروینی پیش‌تر گفته بودند که در پروژه «حوالی پاییز» از بازیگران تئاتر استفاده خواهند کرد، اما به نظر می‌رسد اغلب انتخاب‌ها از نایاب‌یگران بوده است.**

اتفاقا به‌جز شخصیت‌های اصلی که از بازیگران مطرح سینما و تلویزیون هستند، اغلب بازیگران از میان تئاتری‌ها انتخاب شده‌اند. آقای رضا اکبرپور که در فیلم «آپاندیس» نیز ایفای نقش کرده، پیش‌تر بازیگر تئاتر بوده‌است. خانم مونا کریمی، جوانه دلشاد و کیوان ساکت‌اف تئاتری هستند و طی قسمت‌های بعدی نیز شخصیتی جذاب به نام حسن به سریال اضافه می‌شود که بازیگر آن علیرضالبیبیان است. در کل اغلب بازیگران سریال تئاتری هستند. حتی خانمی که نقش کارشناس بیمه را بازی می‌کند تئاتری است.

**اما در انتخاب بازیگران عرب می‌توانستید از بازیگران خطه جنوب استفاده کنید چرا این کار را تکر دید؟**

من به‌عنوان مخاطب وقتی سریالی را می‌بینم اولین مورد مهم برایم این است که آن بازیگر را در نقش مورد نظر باور کنم. حال این‌که کیفیت بازی بازیگر چگونه است بحث دیگری است. زمانی که شخصیت قصه خارجی است آنچه مهم است این است که مخاطب باور کند او ایرانی نیست؛ و گرنه به‌لحاظ تولید و حواشی و دیگر مسائل بهتر این بود که بازیگر ایرانی انتخاب کنیم. اتفاقا برای انتخاب بازیگر ایرانی تست هم زدیم؛ از جنوب ایران گرفته تا دور گه‌های ایرانی-عربی.

**مشکل چه بود که در این زمینه به نتیجه نرسیدید؟**

از این شاخصه می‌گذرم که بازیگر خارجی ما باید زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسه و فارسی را به‌خوبی صحبت می‌کرد. نکته مهم این بود که بازیگرانی که برای ایفای نقش از آن‌ها تست می‌گرفتیم، فارسی را به‌خوبی صحبت می‌کردند و زمانی که قرار بود نقش کسی را بازی کنند که فارسی بلد نیست نمی‌توانستند این بلد نبودن را باورپذیر بازی کنند که منطقی هم هست. آن‌ها سال‌ها فارسی صحبت کرده بودند و دایره واژگان گسترده‌ای داشتند. اما خانم «آن ماری سلامه» به هیچ وجه فارسی بلد نبود و فارسی را برای او سوفله می‌کردیم و او حفظ می‌کرد و معنی دیالوگ را به او می‌گفتمیم، درحالی‌که او نمی‌دانست معنی واژه به واژه جمله چیست و همین عدم اشراف به زبان فارسی بازی او را باورپذیر می‌کرد. البته ایشان در حال حاضر تاحدودی زبان فارسی را یاد گرفته‌است.

**در طول قصه یکی از شخصیت‌ها در گیر ماجرای اخاذی و باج‌گیری می‌شود. اما این رویه از باج‌گیری با سوءاستفاده از یک عکس کمی منسوخ شده و برای مخاطب باورپذیر نیست. شاید اگر مخاطب پنج سال پیش با چنین اتفاقی روبه‌رو می‌شد آن را باور می‌کرد. چرا شیوه باورپذیرتری را انتخاب تکر دید؟**

بله، اگر این رویه در تهران و در خانواده‌ای از قشر متوسط به بالا اتفاق بیفتد حرف و نظر شما را می‌پذیرم. اما اگر در خانواده‌ای مذهبی چنین اتفاقی بیفتد نتایج نامطلوبی خواهد داشت و مشکل‌ساز خواهد شد. خانواده‌هایی را می‌شناسم که اگر بدانند عکسی بی‌حجاب از دخترشان به دست غریبه‌ای افتاده و منتشر شده ناراحت می‌شوند و مشکلاتی برایشان به وجود می‌آید.البته آن دختر را اعدام نمی‌کنند و او را نمی‌کشند اما اعتبار آن دختر در خانواده زیر سوال می‌رود. بیشتر قضیه شرم و حیا در میان است. حال نیز با وجود چنین اتفاقی آن دختر از این می‌ترسد که اعتبارش را نزد خانواده از دست بدهد. او از این‌که برادرانش متوجه ماجرا شوند خجالت می‌کشد. به‌نظرم ما نباید همه وقایع را باتوجه به قشر متوسط و بالانشین تهران بسنجیم. ما سریال «حوالی پاییز» را صرفا برای مخاطبان تهرانی نساخته‌ایم و شهرستانی‌ها نیز قرار است به دیدن سریال بنشینند و این درحالی‌است که چنین مسائلی برای آن‌ها بسیار مهم است.

**بله، به هر حال در بسیاری از شهرستان‌ها تعصب‌های این‌چنینی وجود دارد. خودتان در این‌باره نقدی شنیده‌اید؟**

بله، بسیار شنیده‌ام. اما استدلال من همان چیزی است که به شما گفتم و اتفاقا طی این مدت با عکس‌العمل‌های خوبی از مخاطبان شهرستان درباره این بخش از سریال مواجه شده‌ام.

**در نخستین تجربه سریال‌سازی‌تان با چه مشکلاتی مواجه شدید؟**

محدویت‌های زمانی فقط برای من وجود نداشته و همه برنامه‌سازان با چنین روالی مواجه هستند. اتفاقا فکر می‌کنم نسبت به بقیه خوشبخت‌تر بودم زیرا سفارش‌دهنده به‌شدت با من و پروژه همراه بود یعنی اگر امروز فیلمنامه را می‌خواندند فردا درباره جزئیاتش گفت‌وگو می‌کردیم و نظرشان را می‌گفتند و زمان بیهوده تلف نمی‌شد.

**با محدودیت‌های زمانی و ممیزی‌ها و خط قرمزهای سلیقه‌ای چه کردید؟**

به‌هر حال زمانی که من حسین نمازی می‌خواهم برای تلویزیون سریال بسازم باید محدودیت‌ها و سیاست‌های موجود را ببذیرم و اگر پذیرفتم باید به آن‌ها پایبند باشم. تلویزیون می‌گوید مثلا اگر خانم خانه می‌خواهد بخوابد باید با روسری بخوابد و شرایط این است. من نیز بسیاری از محدودیت‌ها را دوست ندارم اما کاری نمی‌شود کرد و قانون این است.

**از همکاری با آقای پروینی راضی هستید؟**

تجربه خوبی را با ایشان پشت سر گذاشتم. ایشان رفیق و برادر من است و طی زمان تولید به‌شدت پشت من بود و دلم خوش بود که کسی هست که همه چیز را مدیریت می‌کند. اتفاق خوبی که در پروژه «حوالی پاییز» رقم خورد این بود که سعید پروینی نگذاشت کسی ناراضی باشد و هر‌طور که می‌توانست حقوق عوامل را می‌داد.

**از کارهای آینده‌تان چه خبر؟**

قرار است سریالی عاشقانه را به تهیه‌کنندگی سیدمرتضی فاطمی کارگردانی کنم که قصه آن در دهه ۶۰ می‌گذرد و به‌جز آن نیز پیشنهادهات دیگری دارم که باید ببینم کدام‌ها به سرنجام می‌رسند.

**و سخن آخر؟**

از شما بابت این گفت‌وگو ممنونم.